

صاحب امتیاز: م. غبار

مدیرمسئول: م. فرهنگ

اداره: جاده میوند کابل

تلفون: ۲۹۵۳

# وطن

هر پنجشنبه نشر میشود

اشتراک:

کابل: ۵۰ افغانی

ولایات: ۶۰ افغانی

خارج: ۵ دالر

یکشماره: ۷۵ پول

سال اول

شماره چهل و پنجم

۴ دلو

۱۳۳۰

## روزنامه دان و انتشارات وطن

روزنامه دان کراچی در شماره ۲۴ دسمبر ۱۹۵۱ شرحی راجع به بلدیہ کابل منتشر ساخته و در ضمن یک سلسله مطالب خلاف واقع اعتراضاتی را که از طرف بعضی از وکلا بر اجراء ریاست بلدیہ کابل در شماره ۲۴ میزان جریده وطن نشر گردیده بود با مسخ و تحریف شاهد مدعا قرار داده است. وطن از بدو تاسیس خود ملتفت این نکته بود و اکنون هم ملتفت است که پاکستان از پیشرفت دیموکراسی در افغانستان سخت در تشویش و اضطراب است چرا او می داند که دیموکراسی یعنی پشتی بانی ملت از حکومت، پشتی بانی ملت یعنی قوت دولت و قوت دولت یعنی جلوگیری از اتلاف حقوق مملکت. بنابراین پاکستان در ضمن دیگر عملیات ضد افغانی علاقه مندی خاصی به اختناق نهضت دیموکراسی درین مملکت نشان می دهد و چون انتقاد ستون دیموکراسی و پایه و تهاداب تمام اصلاحات است پاکستان می خواهد بهر طوری است از شیوع آن در افغانستان جلوگیری کند اما چون نمی تواند این مطلب را بصراحت اظهار و اعلان کند پس بوسایل غیرمستقیم تشبث نموده متصل سعی دارد که با ابراز یکنوع همنوایی دروغی با جراید ملی و مضامین انتقادی آنها در ذهن مقامات مورد انتقاد یک نوع ضدیت با انتقاد تولید نموده نشو و نمای طبیعی دیموکراسی را درین مملکت دچار رکود و توقف سازد و باین ترتیب مجال عریض و طویل برای هضم نمودن حقوق تاریخی این ملت که بقول بقیه (در صفحه ۲

عملی بسازند

دیگر دیموکراسی اقتصادی یعنی سوسیالیست های کمونیست طرفدار مداخله قاطع و جدی در اقتصاد جامعه می باشند باین معنا که آنها می خواهند تمام منابع تولید اعم از هرگونه فابریکه های خورد و بزرگ و معادن و خطوط آهن و بانک ها و املاک و تمام تجارت داخلی و خارجی جامعه در اختیار دولت که نماینده طبقات رنجبر است، باشد. کمونیسم این کار را بصورت انقلابی و بدون تادیبه عوض بسرمایه داران اجراء می کند و بدین صورت کاپیتالیستی یعنی سرمایه داری را منقرض می نماید

## رژیم های سیاسی

م. فرهنگ

سوم - دیموکراسی کلمه یونانی و معنی تحت اللفظ «حکومت مردم» است. در دوران تاریخ بشیر دیموکراسی به انواع و اقسام مختلف ظاهر گردیده و امروز هم از حیث شکل دولت و ساختمان اجتماعی و اقتصادی جامعه دارای چند شکل می باشد. مثلاً در بعضی نقاط به صورت سلطنت مشروطه و موروثی قایم است و در برخی ممالک بشکل جمهوریت انتخابی. در جایی از ملکیت شخصی حمایت می کند و در جایی پاره اشکال آنرا محدود می سازد. اما در هر حال امتیاز آن نظام ملوک الطوائفی و استبدادی در این است که در جامعه دیموکراسی قوانین از طرف نمایندگان ملت وضع می گردد و کابینه در نزد مجلس نمایندگان ملی (یعنی در نزد ملت) مسئول است. پس می توان گفت که آزادی انتخابات شرط اصلی دیموکراسی بوده و دیگر خصوصیات فروع آن بشمار می رود. در مملکتی که ملت در انتخاب وکلای خود آزاد نباشد هر قدر که اداره مقرون به عدالت و اولیای امور رؤف و مهربان باشد ن رژیم دیموکرات نی - بلکه «استبدادی»

عمر دیموکراسی مانند عمر بشر دراز است. اگر از جامعه های ابتدایی که دران اصلاً دولت وجود نداشت صرف نظر کنیم در قرون اولی و قرون وسطی نظام دیموکراسی موجود بود. مثلاً در بعضی نقاط یونان قدیم و در برخی از شهرهای ایتالیا و آلمان حاکمیت بدست مردم بود. اسلام نیز در عصر خلفای راشدین سمرمشق کاملی از دیموکراسی در عالم بنیاد گذاشت. اما دیموکراسی یونان محدود و ناقص بود. به این معنی که فقط سکنه یونانی نژاد حق انتخاب و شرکت در امور سیاسی داشت. دیگران که یونانی ها ایشان را بربر و وحشی می نامید ازین حق و از اغلب حقوق اجتماعی محروم شمرده شده و بحالت غلامی زندگی می کرد. تا اینکه در قرن هجدهم در اروپا یک انقلاب مهم اقتصادی رخ داده تجارت و صنعت انکشاف بی سابقه نمود و حوایج جدیدی ظهور نمود که نظام ملوک الطوائفی و سلطنت استبدادی از رفع آن عاجز بود. یعنی این نظام های فرسوده بجای آنکه موجب رفاهیت احوال جامعه باشد با زنجیرهای لایعی بالای آزادی سیاسی و اقتصادی مردم مانع ترقی و نشو و نمای جامعه می گردید. خلاصه اینکه طرز اداره با احتیاجات و آرزوهای مردم سازگاری نداشت. اینست که ملت ها در برابر آن قیام کردند و در طی یک سلسله حوادثی که مجال شرح آن نیست بدو در انگلستان و سپس در امریکا و فرانسه نظام سلطنت استبدادی به نظام دیموکراسی تبدیل شد و بسرعت بدیگر نقاط عالم سرایت کرد تا جائیکه بعد از جنگ عمومی دوم امروز تقریباً بتمام کره زمین مسلط گردیده است. در بالا گفتیم که دیموکراسی متنوع است. سلطنت مشروطه ای که در آن شاه به حیث نماینده وحدت و حاکمیت ملی در راس قوای

اخیراً احزاب سوسیالیست سعی کرد که این نقشه را

بقیه روزنامه دان.

خودش از نظام استعماری بریطانیه بمیراث گرفته است پیدا کند. اگرچه این نیرنگ از خلال تبلیغات جراید و رادیوی پاکستان به صفای بلور آشکارا بوده حتی طفلی را هم گول زده نمی‌تواند. باوصف آن و طبع برای آنکه آقایان را از زحمت بیهوده فارغ ساخته باشد از یکطرف نظریات خود را در مسئله سرحد (که مؤید سیاست حکومت است) در طی چند مقاله مبسوط اعلان نمود و از طرف دیگر سعی کرد بدستگاه تبلیغات پاکستان حالی بسازد که اصلاحات داخلی ما چیز دیگر است تصفیه حساب تاریخی با استعمار و بقایای استعمار چیز دیگر. افغانستان مصمم است این دو پروگرام را که یکی رکن اعظم سیاست خارجی و دیگری پایه و اساس سیاست داخلی دولت است بصورت موازی و پیهم تعقیب کند و اگر پاکستان خواسته باشد با مداخله در امور داخلی افغانستان خللی بموضوع پشتونستان وارد نماید و یا مملکت را از تعقیب سیاست اصلاحات و تعمیم دیموکراسی (که نه تنها افغانستان بلکه تمام عالم شرق با آن محتاج است) منصرف سازد فقط خود را فریب می‌دهد. لیکن معلوم می‌شود که آقایان از درک این حقیقت ساده عاجز بوده با سماجت مضحکی سعی دارند یک موضوع مهم بین‌المللی را گاهی در پرده تعلیم فلان زبان و زمانی در حجاب دروازه موهوم فلان معبد و بالاخره در لفافه اعتراض وکلاء بر فلان موسسه بمستور سازند. ما از دان سوال می‌کنیم که این جریده (بزعم خودش) بسیار جدی و مهم چرا بمقالاتی که در شماره‌های متعدد وطن راجع به مسأله پشتونستان و اهمیت حقوقی و تاریخی آن نشر گردید و مخاطب آن راساً حکومت و مردم پاکستان است جواب نمی‌گوید؟ چرا در باب متن قانون آزادی هند که استقلال کامل سرحدات را ابلاغ نموده و وطن مواد آن را عیناً منتشر ساخت چیزی از لا و نعم نمی‌گوید؟ چرا اعتراض ما را بر عملیات تعرض پاکستان در وزیرستان و مهمند لاجواب می‌گذارد؟ از چه رو آن مسائل مهم بین‌المللی را مسکوت عنه گذاشته در صفحات خود را وقف مباحثات می‌سازد که در بین وکلا و ریاست بلدی یک شهر جریان دارد و نظیر این مباحثه و انتقاد در تمام ممالک دموکراتیک معمول است. بلی ما یک عده از وکلای بلدی بر اجراءات رئیس بلدی اعتراض داریم و اعتراضات خود را نشر کردیم اما اینکه جریده دان نوشته که «انتخابات بلدی کابل چطور صورت گرفت» و مقصود او ازین استهفام آن است که انتخابات بلدی آزاد نبود بکلی غلط است. همه بچشم خود دیدیم که انتخابات بلدی قانونی و کتبی و آزاد بود با اینکه تحریر نموده که «آقای غلام‌محمدخان بحیث رئیس بلدی انتخاب و یا از طرف حکومت شاهی افغانستان بحیث رئیس یا آمر بلدی مقرر شد» دروغ صرف است زیرا این ما وکلا بودیم که بدون مداخله احدی رئیس بلدی را باتفاق آراء انتخاب کردیم - البته بعد آن بر بعضی از عملیات او اعتراض کردیم و شاید آینده هم بر او یا بر دیگر ارباب امور انتقاد کنیم، اما آن چیز دیگر است و نوشته‌جات خلاف واقع دان چیز دیگر. انتقاد ما به غرض اصلاح است تا بنای دیموکراسی در مملکت بر بنیاد محکم استوار گردد و دست‌خوش جاه طلبی و قانون شکنی نشود.

### اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده نهم - احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف - حبس یا تبعید شود  
ماده دهم - هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیله دادگاه مستقل و بی‌طرفی منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی دربارہ حقوقی و الزامات او یا هر اتهام جزایی که با توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید

### وظیفه وکیل

آقای محمد کبیرخان  
وکیل غوربند  
یات اجتماعی مستلزم داشتن یک مرجع مشترک قضایی و تشکیلات مقننه و اجرائیه است. چون این تشکیلات با سرنوشت ملت تعلق دارد. لهذا اصول انتخابات برای قوه مقننه در تحت شرایط کاملاً آزاد و دیموکراتیک منظور عموم است. شورای ملی واقعاً بزرگترین اهمیت تشکیلاتی و وظیفه‌وی دارد زیرا در همه جا پارلمان در راس تشکیلات اجتماعی قرار داشته و در حل و عقد امور کلي و اساسی ملکت می‌پردازد. این پارلمان است که قانون وضع و کابینه مسئول تشکیل مینماید. کابینه نیز در نزد شورا مسئولیت داشته مکلف است امور زبده و لویح اساسی خویش را از مجلس ملی بگذراند. کابینه در مواقع لازم مورد استیضاح شورا قرار می‌گیرد و بدین صورت است که برای تنظیم امور اجتماع بین ملت و حکومت ارتباط نزدیکی قایم می‌شود. به علاوه آنکه انتخاب وکلای شورا محتاج یک فضای آزاد سیاسی می‌باشد هر وکیل بطور جداگانه در نزد موکلین خویش مسئولیت بزرگی دارد. لهذا هر وکیل باید بزرگی وظیفه و سنگینی مسئولیت خودش را احساس نموده از محیط مطلع باشد تا بتواند شکایات عمده ملت را در سایه قانون مرتفع سازد و بتجاوز و خودسری‌های مامور و حاکم خاتمه دهد. ولی البته اینکار بتنهایی از یک نفر وکیل ساخته نیست مگر آنکه اکثریت وکلاء متحدال نظر باشند این فیصله اکثریت وکلای شورای ملی است که بعد از صحنه ذات شاهانه بشکل قانون در آمده و در مملکت واجب‌الاجراء می‌گردد. از آن بعد است که اگر وزیر یا وزرا از تعمیم آن انحراف نمایند طرف بی‌اعتمادی وکلای ملت قرار گرفته و عندالزوم استیضاح و یا از کار بر طرف و بمحاکمه ارجاع می‌گردد.

ازین جاست که اهت شخصیت وکیل و بزرگی مسئولیت انتخاب کنندگان بر انتخاب یکنفر وکیل محسوس می‌گردد. پس این مهمترین وظیفه انتخاب کنندگان یعنی ملت است که در انتخاب وکلای دوره هشتم شورای ملی خود بی‌اندازه دقیق و عمیق باشند تا این بار امانت بر دوش وکلای امین و متدین و خیرخواه و شجاع گذاشته شود نه باشخاص متملق و منفعت جو و بیسواد و بی‌تجربه. ورنه هیچ درد ملت دوا نخواهد شد و هیچ کار دولت منظم نخواهد گردید. و بعلاوه عدم استعداد انتخاب کنندگان در جهان آشکارا خواهد گردید

و کینه و خصومت شخصی را درین انتقادات دخل نیست اما نوشته دان از روی خصومت است و مقصود ازان تعطیل اصلاحات در افغانستان و خلط مبحث در موضوع پشتونستان.

### حقیقت واقعه

یک عده اشخاص محترم از کارته ۴ می‌نویسند:

« جمعه گذشته رادیو کابل اعلامیه مدیریت تنظیفات بلدیہ کابل را راجع بکشیدن آنها توسه بمبه از خانه‌های مسکونه و جلوگیری از خساره وارده منتشر ساخت. درین اعلامیه فیصد پنجاه واقعیت مراعات شده و پنجاه فیصد دیگر مبالغه یا سهو مدیریت تنظیفات بوده است. به این معنا که واقعاً در شب ۱۹ جدی از جوی آسیا خانه‌های ما تحت بمباران آب قرار گرفته و در نتیجه مواد ارتزاقیه و غذائیه با مواد احتراقیه شیر و شکر و باعث خساره گردید ما به آقای معاون بلدیہ اطلاع نمودیم و ایشان استعلامیه حاوی از هجوم آب بمنازل ما بقوماندانی امنی نگاشتند. بمبه رسید و در موقع نصب شد ولی بدبختانه بمبه از کار افتاد و آب در خانه ما کماکان باقی ماند مگر خوشبختانه سردی هوای زمستانی این آبها را در حالت انجماد نگهداشت که تا امروز باقیست. و امیدواریم در تابستان ازین یخ استفاده و خساره زمستانی را تلافی نمائیم. اگر هیئت خانه‌های ما را معاینه نماید معلوم خواهد شد که اعلامیه فعالیت شعبه تنظیفات بلدیہ تا چه درجه مقرون به حقیقت خواهد بود. (امضای دوازده نفر)

اصول انتخابات شورای ملی

فصل پنجم - طریق انتخابات

۱۲ - انتخابات وکلای مجلس شورا در تمام نقاط افغانستان بطور مستقیم و بلاواسطه خواهد بود.

۱۳ - انتخاب کنندگان یک حوزه انتخابیه که در مرکز محل انتخاب اجتماع می‌نمایند راجع بان‌تخاب وکیل جرگه و مذاکره می‌کنند و از اهالی همان منطقه بحضور حاکم محلی و هیئت محکمه شرعیه نماینده خود را انتخاب نموده اقرارنامه شرعی در باب انتخاب آن می‌نویسند

۱۴ - انتخاب وکلاء بموافق عموم انتخاب کنندگان و در صورت عدم موافقت عمومیه با اکثریت آراء اس

۱۵ - وقتیکه در انتخاب وکیل موافقه عمومی و اتفاق آراء بین انتخاب کنندگان یک دوره انتخابیه موجود نشود در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر وکیل بحکم قرعه معین می‌شود.

۱۶ - هریک از انتخاب کنندگان زیاده از یک مرتبه حق رای دادن ندارد. مگر در صورتیکه تجدید انتخاب لازم شود.

۱۷ - بمناسبت اهمیت محل مدت جرگه انتخاب کنندگان و انتخاب وکیل از یک الی دو روز خواهد بود بتعین حکومت محلی و هیئت محکمه شرعیه پس از انقضای موعدی که حکومت محلی برای انتخاب وکیل تعیین میکنند مجلس انتخاب خاتمه خواهد یافت

+++++

++++

## در جواب وزارت اقتصاد ملی

در شماره گذشته مضمونی ارسالی شعبه نشرات وزارت اقتصاد ملی را در مورد تمدید لین برق به منزل شخصی آقای محمد عمر خان معاون بانک ملی. اینک جواب وطن:

اول - وزارت اقتصاد ملی مینویسد که «علی‌الرغم نویسنده محترم موضوع بوزارت اقتصاد ملی چندان ربطی نداشت. مؤسسات تجاری وقتی طور رسمی تاسیس می‌شوند از خود اساسنامه‌های داشته می‌باشند که بر اساس آن در انجام کارهای خود آزادانه اقدام می‌نمایند...» لیکن ما می‌گوئیم که شرکت‌ها و مؤسسات تجاری دو قسم است: انحصاری و غیرانحصاری. این تفصیل شاید در مورد شرکت‌های عادی و غیرانحصاری صادق باشد. اما در مورد شرکت‌های انحصاری و امتیازی صدق نمی‌کند. زیرا هر وقت که دولت بیک شرکت انحصار و امتیاز می‌دهد (یعنی بعضی از حقوق ملی را بیک عده اشخاص می‌سپارد) دولت بحدیث یک نماینده جامعه این حق را کسب می‌کند که طرز و استعمال امتیاز را از طرف شرکت مذکور زیر مراقبت بگیرد و اساسنامه شرکت مانع اجرای این حق گردیده نمی‌تواند. چون شرکت برق یک شرکت انحصاری است پس ما لازم دانستیم تبعیض و ترجیحی را که از طرف شرکت مذکور بنفع یکی از آمرین آن صورت گرفته باطلاع وزارت اقتصاد ملی برسانیم و توقع تحقیقات کاملتر و جدی‌تر درین موضوع داشتیم.

دوم - شرکت برق می‌نویسد که «علت (محروم ماندن بعضی از کارته‌ها از تنویر برق) ضعف قوه می‌باشد و مؤسسه بیشتر ازین کمک نتوانسته یعنی برق جدید داد، نمی‌تواند» بسیار معقول. اما در صورتیکه بکارته‌های شهر برق جدید داده نمی‌تواند اثر نفوذ شخصی آقای محمد عمر خان عضو هیئت مدیره شرکت در بین نبود - کدام چیز شرکت را وادار ساخت که در قریه ولایتی که چند کیلومتر از شهر فاصله دارد لین برق تمدید کند؟ بلی مدتهاست که اهالی قریه‌جات دور و نزدیک شهر تقاضای برق دارند و اهالی ولایتی و نیازی هم درخواست‌ها داده بودند. اما نظر بهمین علت قلت برق (که بجای خود عذر معقول است) برق با آنها داده نشده و بدرخواست هفت نفر که سهل است بدرخواست هفتاد نفر نیز ترتیب اثر داده نمی‌شود تا اینکه درخواستی شرکت از طرف شخص آقای محمد عمر خان رسید که در عقب آن اسم چند نفر دیگر را نیز خودش نوت و مستحق برق شمرده بود. این آقایان که شرکت اسم ایشان را ذکر کرده غالباً استحقاق ندارند و اگر دارند شرکت برق اسم و محل سابق استحقاق و صفحه اندراج استحقاقان شان را در کتب شرکت بنویسد تا حقیقت معلوم شود. اینها استحقاق نداشتند اما چون مشمول لطف شخصی آقای معاون بودند مستحق شمرده شدند و سایر اهالی قریه نیازی و قلعه صادق که در عدم استحقاق با آنها مساوی و به لین برق نزدیک‌تر بودند محروم گردیدند که شکایت تحریری شان در اداره وطن موجود است.

سوم - در باب لت و کوب یکنفر طالب برق می‌نویسد که «در مؤسسه ... رسمیت ندارد.» درست است که چون لت و کوب مذکور قانونی نبود در دوسیه سابقه ندارد ولی در شهر کسی

## مکاتبه وطن

آقای ت. ی. سرخ پارسائی می‌نویسد: «سی سال پیش برین فی جریب یک قران در مالیه مردم سرخ‌پارسا (و شاید تمام مملکت) بنام تاسیس مکاتب افزوده شد. در سنه ۱۳۰۷ در حکومتی مذکور دو مکتب تاسیس گردید که متأسفانه بزودی در آتش انقلاب سوخت. اما بعد ازان تا کنون اثری از مکتب دران حکومت دیده نشد. حکومت سرخ‌پارسا مرکب از چهار علاقه بزرگ است و از روی نفوس تخمین (۷۰۰۰) پسر بسن تعلیم دارد که یکنفر از آن جمله از فیض معارف مستفید نیست و اکنون اعلان شده که وزارت معارف پس از سال‌ها بی‌اعتنائی می‌خواهد یک مکتب دهاتی در آنجا تاسیس کند آیا این مکتب چطور برای چنین یک منطق پرنفوس کفایت خواهد کرد؟ باید وزارت معارف بتلافی مافات چند باب مکتب در آنجا تاسیس کند.

وطن - معارف طلبی اهالی اطراف را بنظر تقدیر دیده و فال نیک پیشرفت مملکت می‌شمارد و امید است وزارت معارف تا حد امکان بتقاضای ایشان ترتیب اثر بدهد.

آقای مراقب بازار از خدمت وزارت اقتصاد ملی و علی‌الخصوص کارکنان مدیریت بازارهای داخلی در کنترل نرخ و توزیع کلوش اظهار امتنان نموده ضمناً توجه ریاست بلدی را بکنترل نرخ ارزاق متوجه می‌سازد.

وطن - در تقدیر از حسن اقدامات وزارت اقتصاد ملی در زمینۀ توزیع کلوش و توجه ریاست بلدی با آقای مراقب بازار شرکت می‌کند.

نیست که از آن بی‌خبر باشد.

۴ - می‌نویسند که «لین برق برضایت اهالی و نظر به خواهش خود آنها نصب گردید... و نصب پایه کدام تکلیف و نقصانی بزمین‌ها عاید نمی‌کند و مؤسسه مجبور نیست که پایه برق را با سم تیلفون یاد کند» اولاً باید شرکت بفهمد که لین تیلفون عمومی که حکومت تمدید میکند چیزی دیگر است و لین برقی که از یک شرکت بمنزل روسای خود تمدید نماید چیز دیگر. حقوق یک شرکت را در ردیف حقوق دولت قرار دادن دلیل منتهای بی‌خبری از قوانین مملکت و معیار خودرایی و استبداد مؤسسات تجاری و شخصی است. ازین گذشته با شکایت‌نامه کتبی مالکین املاک را بدست داریم که از تخریب حاصلات خود در اثر فعالیت بیست - سی نفر عملیه شرکت و حفر چقوری‌ها و نسب پایه‌ها و تمدید لین‌ها و بالاخره انحصار برق به آقای معاون بانک و ۱۶ نفر از دوستان او صحبت می‌کند. بهر حال ما موضوع را قابل تحقیق اصولی و ملاحظه اسناد و سوابق موضوع از طرف وزارت اقتصاد ملی که اعطا کننده امتیاز و انحصار است می‌دانیم و جواب‌های شرکت را بیش از بهانه تراشی حیثیت نمی‌دهیم. خدا کند وزارت موصوف بانجام وظیفه اش قیام کند.

محمد اسحق ابراهیمی

## فعالیت‌های چهار ساله بلدیۀ ملی ما

چهار سال قبل نظر به احساس دیموکراسی یا روان‌تر بگوئیم تامین آزادی رای و تصویب قانون بلدی در انتخابات بلدیۀ روی کار آمد دیری نگذشته بود که این مقصود جامه عمل پوشید و مهمه انتخابات در گوشه و کنار مملکت عزیز برپا گردید. خصوصاً در مرکز مملکت ما همه بروز موعود گرد آمده به شخصیت و سوانح کاندیدها خیره می‌شدیم و در وی وطن و آرزوهای خود را در جبین هر یک جستجو داشتیم. خلاصه انتخابات بپایان رسید ما توقع داشتیم که امروز اشخاص فعال و کارکن روی کار آمده، و برحسب آرزوهای توده هر کار بموقعش اجرا خواهد شد. مگر بعد از مدت یک دو سال ملتفت شدیم که بلدیۀ از راه راست منحرف گردیده است و یک دسته از وکلا بدون استحقاق قانونی در بلدیۀ مقامات رسمی را اشغال کردند هر دو قوه مقننه و اجراییه بلدیۀ را ضبط کردند و هرچه خواهستند، کردند. رئیس بلدیۀ ملی ما بفعالیت‌های عمرانی پرداختند که آنهم جز احداث یک دو جاده بیش نبود و برقع احتیاجات مادی و معنوی مردم هیچ مبادرت نوزیدند. ما نمی‌خواستیم اشخاص بیجا و بیخانه‌ای را انتخاب نمائیم که خون خشکیده این قوم ناتوان را زهر نمایند. ما نمی‌خواستیم اشخاصیکه دیروز هیچ نداشتند امروز مالک قصرها گردند و از پول این مردم ستم‌دیده موترهای جیب و کرایسلر و پاکارد برای هواخوری خود قطار نموده و در مراسم کاکل‌گیری طفل عزیز خود بمیلۀ شاندار اکتفا نکرده حتی .. فرسوده ملت را نیز وقف نمایند. ما نمی‌خواستیم رئیس بلدیۀ ملی ما بغیر از جاده میوند از همه چیز بی‌خبر باشند و معاینه شفاخانه عمومی شهر را دون شان خود بدانند و در جواب شکایت از قحطی و قیمتی، «بمن مربوط نیست» بگویند. ما از بلدیۀ آنچه را توقع داشتیم که ملل و شهرهای مترقی دارند یعنی هم توجه بنظافت و پاکی تمام شهر (نه یک جاده) و هم توجه بامور ارزاق و آب رسانی و غیره امور بلدی.

نمی‌گویم که ریاست بلدیۀ مصدر فعالیت نشده بلکه در شق تعمیر کارهای کرد، که بهمه معلوم است اما می‌خواستیم بمسأله، نرخ و نوا هم عطف توجه می‌کرد نه این که نرخ اشیای ضروری مانند آرد و روغن و گوشت که مورد احتیاج عامه است به آسمان برسد و بلدیۀ ملی بی دخل باشد و چاره نسنجد. می‌گویند درین روزها بلدیۀ هیئت تعیین نرخ اشیاء را به بازار کشیده است. شاید اما ... بلدیۀ کدام ارزاق فراهم نکرده که با گران‌فروشان رقابت کند. پس طبعاً در اثر تعیین نرخ و تطبیق مجازات اصل شی از بازار برداشته می‌شود و بجای قیمتی - قحطی قایم میگردد. بهر صورت دورۀ اول بلدیۀ انتخابی بزودی بپایان می‌رسد و باید از عملیات این دوره پند گرفته سعی کنیم که

(بقیه در صفحه ۴)

## نیموکراسی چیست؟

چند روز قبل در یکی از کوچه های شهر قیل و قالی برپا بود. حس کنجکاوی برآتم داشت که پیش رفته قضیه را معلوم کنم. يك كاغذ طولانی را دیدم بصورت ملاحظه‌ئی اوراق چندی زیر هم سرش شده به دست یکنفر و به دیگران اصرار داشت که زود باش امضاء کن. جوانی لجاجت بکار برده می‌گفت: برادر من نیموکرات می‌باشم و بدیموکراسی احترام دارم امضاء نمودن این کاغذ خلاف نیموکراسی است از نیموکراسی گفتن این جوان بحیرت افتادم که نیموکراسی از کدام جنس است در همین فکر در حصه چهارراهی ملک اصغر بیک جوان خوش لباس برخوردیم دفعتهً بخاطر آمد که از او پرسان کنم. پیش رفته گفتم اگر بد نبرید یک سوال دارم بعد از یک ملاحظه سر تا پایم به بسیار تمکین گفت بگو - گفتم نیموکراسی یعنی چه؟ خیره خیره طرفم نگاه نموده بنفرت جواب داد آدم غریب و گپ‌های سیاسی! حك و بك مانندم که بکجا روم چه کنم و از کی بپرسم. آقای حاضر جواب بیاد آمد چون جواب‌های فوری و معقول او را در جراید مطالعه کرده بودم بطرف خانه او روان شدم. بعد از تعارفات و عزت داری که مخصوص اوست از نیموکراسی پرسیدم بی‌درنگ خنده نموده و گفت که قصه دیموس و کراتوس را نشنیده ئی که از قصص مشهور است. گفتم بگو. گفت دو برادر در یونان زندگی داشتند یکی دیموس و دیگری کراتوس نام داشت، در آنوقت در یونان مثل شهر کابل ما رسم بود که کلانتر شهر یعنی رئیس بلدی را خود اهالی انتخاب می‌کردند. مردم هوشیار ازین رسم استفاده نمود، چون موقع انتخاب فرامی‌رسید سطری چند در شرح صفات خود تحریر نموده از مردم امضاء می‌گرفتند و رئیس می‌شدند. اما این دو برادر عادت داشته که بدون تحقیق امضا نکنند و ازین جهت همیشه بحث و غوغا تولید می‌شد. آن جوانی که در تومار امضاء نکرده نیموکراسی می‌گفت شاید از فامیل همان برادران باشد.

گفتم برادر یونان در کجاست.

گفت از ملک‌های پایان است. طرف پیشاور که رفتی آن طرف که گشتی یونان است. برو که رفتی. چون به این جواب مضحک هم قانع نشدم خواستم تا ذریعه جریده وطن این مطلب را حل نمایم که نیموکراسی چیست و چگونه مانع امضای اشخاص در تومارها می‌شود.

با عرض حرمت مخلص شما کنجکاو

فعالیت های چهار ساله...

در دوره ثانی نواقص فعلی در تمام شقوق اصلاح و بلدی به تمام معنی بلدی عمومی کابل شود. اما متأسفانه درین روزها شنیده شد که يك عده از استفاده چی‌های دوره اولی مجله‌های روی کار آورده می‌خواهند بلدی انتخابی را دوباره به بلدی انتصابی تبدیل کنند و همین سیستم و اشخاص را برای همیشه برقرار سازد پس بر اهالی شهر است که رشد اجتماعی خود را ظاهر ساخته با تمام قواء بمقابل این جریان غیرقانونی مبادله نمایند.

## اخبار هفته

## نفوس شماری در مملکت رهایی قاضی عطاءالله خان - میثاق حقوق بشر - اوضاع شرق و غرب

خواهد شد که اتازونی، فرانسه و ترکیه يك دسته از اردوی خود را به منطقه کانال بفرستند» ما بخاطر داریم که چند سال پیش ازین در مجلسی که سخن از آزادی مستعمرات می‌رفت مستر چرچیل اظهار کرد که: «من وزیر اول اعلحضرت نشده‌ام تا در کنفرانس انحلال امپراتوری برطانیه ریاست کنم. با وصف آن امپراتوری مذکور در مهمترین و ثروت‌مندترین نقاط عالم منحل شد و هندوستان که دران مجلس موضوع بحث بود آزاد گردید و مستر چرچیل به جلوگیری از این امر قادر نگردید. پس امروز که دوباره زمام امور را بدست گرفته بهتر است از تجربه تاریخ استفاده نمایم و بشخص خود در مجلس انحلال نظام استعماری ریاست کند تا این امر طبیعی و حتمی بدون خون ریزی و تولید کینه‌های التیام ناپذیر در محیط صلح و سلام انجام پذیرد.

**واشنگتن** - معاون وزارت خارجه امریکا اظهار کرد که اوضاع اروپا رو به استقرار می‌رود اما اوضاع شرق هر روز بیشتر کسب و خامت می‌کند خصوصاً در برما و ملایا احتمال حوادث ناگوار زیاد است.

این تشخیص بذات خود صحیح است و حقیقتاً امروز تقدم نقط خطر عالم شرق است. زیرا درین جا علاوه از کشیدگی دو جبهه شرق و غرب حس آزادی خواهی ملل بشدت با مفاد استعماری تصادم می‌کند و قراریکه از آزادی بموقع هندوستان ثابت گردید یگانه چاره این است که دول استعماری بعجله مما لك شرق را تخلیه نمود و اداره امورشان را بخودشان بسپارند. ولی شرق بی قرار است اما این بی قراری در نقاطی شدت و وخامت دارد که استعمار یون حاضر به الغای اصول استعمار نیستند. مثلاً در افریقای شمالی - مصر و ایران - پشتونستان - ملایا و اندوچین. اما در ممالکی که به حقوق خود رسیده اند و گلیم سیاه اسارت بکی برچیده شده امنیت و آرامش حکم فرماست بلکه این ممالک در تأمین صلح و پیشرفت بشر نقش مفیدی بازی می‌کنند. این است نقطه دقیق که باید رجال سیاست امریکا بر آن فکر نموده بعد از آن خط مشی سیاست خود را طرح و تعیین نمایند.

**تونس** - پس از آنکه مذاکرات ملیون تونس راجع باصلاحات قانونی با زمامداران فرانسه برهم خورد حزب ملی دستور و حزب کمونسنت تونس اعلان اعصاب و قیام ملی در برابر فرانسوی ها صادر کردند. اما حکومت فرانسه درین جا نیز مانند مراکش دست به سلاح برده در تصادمات خونین بین آزادی خواهان و اردوی استعماری عده کثیری بقتل رسید و حکومت فرانسه قایدین ملی را حبس کرد.

باید دانست که تونس بمعنی صحیح مستعمره فرانسه نیست بلکه يك مملکت تحت‌الحمايه است و اینکه فرانسه در عوض توسعه آزادی آن سعی دارد که مختصر آزادی مملکت مذکور را نیز از بین ببرد.

(در مطبعه ملی طبع شد.)

باز تایپ و تدوین دیجیتال: قاسم آسمایی

بازنشر: سایت راه پرچم فبروری ۲۰۲۴

<http://rahparcham1.org>

**کابل** - قانون ثبت سجل نفوس در معرض انتشار گذاشته شد. بموجب این قانون در هر هشت سال یکبار نفوس مملکت شمار می‌شود و اوراق هویت توزیع می‌گردد. نفوس شماری باید در مدت سه ماه بپایان برسد. اما در دفعه اول که در سنه ۱۳۳۱ نفوس شماری شروع خواهد شد. نظر به ناپلیدی و فقدان تشکیلات مکمل این کار در دو سال بپایان خواهد رسید. بموجب این قانون در اصول نفوس شماری مملکت و ترتیب احصائیه اصلاحات زیاد صورت می‌گیرد و نکات مهم و مفید که تا کنون از قلم مانده بود بعد از این ثبت سجل نفوس می‌گردد. مثل محل تولد شخص و مجرد و تاهل و امثال آن. اگر چه نمونه ورق هویت تاکنون نشر نشده، اما در اوراق تحقیق از شغل و حرفت اشخاص ذکری در میان نیست. چون این نکته در حیات اجتماعی و اقتصادی تأثیر بارز دارد اگر در دفاتر نفوس و اوراق هویت پیش بینی نشده باشد باید درج گردد. بهر حال ما وزارت داخله را از اقدام باین اصلاح بزرگ تبریک می‌گوئیم.

**دهلی جدید** - قرار اطلاع رادیو دهلی قاضی عطاءالله خان مورخ و مولف و آزادیخواه معروف پشتونستان که در کابینه ملی داکتر خان صاحب عهدوزارت داشت و از سه سال به اینطرف مثل دیگر پیشوایان ملی در محبس پاکستان بود در لاهور از محبس رها گردید. و با اینکه رهایی قاضی صاحب بذات خود مهم است اما تا روزی که پشتونستان به آزادی نرسیده است آزادی افراد محدود ارزش چندان ندارد خصوصاً که تشکیلات شان ممنوع و از فعالیت سیاسی محروم باشند. زیرا تمام مردم پشتونستان محکوم اعم از آزاد و محبوس همه اسیر و محبوس اند.

**پاریس** - کمیته اجتماعی بمجلس عمومی ملل متحدپیشنهاد نموده است که اعلامیه جهانی حقوق بشر را بصورت دو میثاق حقوق بشر - تبدیل کند. باین معنی که از مجله مواد سی گانه حقوق بشر، مواد متضمن حقوق سیاسی افراد در يك میثاق و مواد متضمن حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در میثاق دیگر تنظیم و تدوین شود و حکومت های عضو ملل متحد به تطبیق مواد آن مکلف گردد. علت تدوین دو میثاق این است که اگر مملکتی در اثر فقر مالی به تطبیق فوری حقوق اقتصادی و اجتماعی قادر نباشد این عذر دلیل عدم تطبیق حقوق سیاسی افراد نگردد. کمیته مذکور پیشنهاد نموده که تمام ممالک مکلف گردند تا سالانه از عملیات خود راجع به تطبیق مواد حقوق بشر بمثل متحد راپور بدهند.

**واشنگتن** - چرچیل نطق موعود را در محضر کانگرس اتازونی ایراد کرد و در ضمن دیگر مطالب در باب مصر گفت (مسئله کانال سوئز يك مسئله بین‌المللی است و انگلستان محض یک خادم تجارت دنیا از آن حفاظت می‌کند. انگلستان ممنون